

تهی شدن از درون

دونالد ساسون



The Rise and Fall of Communism. Archie Brown. Bodley Head. 736 pp.

آنچه کوبایی‌ها و روس‌ها، لهستانی‌ها و کره‌ای‌ها، کارگران آلمان و روستاییان هونان را گرد هم نگه می‌داشت چه بود؟ یک توهم، یک آرزو و یک رویا؟ سرکوب صریح؟ یا چشم‌انداز یک رهایی سریع از بار عقب‌افتادگی؟ پرسش‌هایی از این دست خود بیانگر دشواری‌هایی است که برای نوشتن تاریخ کمونیسم وجود دارد –

یک چنین گستره وسیعی از کشورهای مختلف، فرهنگ‌های گوناگون و انبوهی از مردمان متفاوت. لاقلاً اینک تاریخ وقایع نهایی شده است. غرش توپخانه ناو آرورا و تسخیر کاخ زمستانی پتروگراد در سال ۱۹۱۷ سرآغاز این تجربه بزرگ بود و فروریختن دیوار برلین و تلاشی امپراتوری‌ای که از تزاریسیم به کمونیست‌ها به ارث رسید، در سال‌های ۹۱-۱۹۸۹ نیز نقطه پایانش.

در کتاب *ظهور و سقوط کمونیسم*، آرچی براون حاصل چهل سال تحقیق را در مورد این دوره کم و بیش هفتاد ساله، در بیش از ۶۰۰ صفحه منتشر کرده است. و این مهم را نیز با متانت و تعادل و درکی منطقی از تفاوت‌های موجود میان گونه‌های مختلف کمونیسم پیش برده است. برای ارائه تعریفی از کمونیسم نیز تلاشی معتبر به خرج داده است: انحصار قدرت توسط یک حزب متمرکز، یک نظام اقتصادی که در آن بخش غیر سرمایه‌داری دست بالا را دارد، و تعهدی عقیدتی نسبت به یک نهضت جهانی که سودای یک هدف آرمان‌شهری در سر دارد. ولی با این حال خود را در بست نیز به این تعریف نمی‌سپرد. چین، کوبا، ویتنام و کره شمالی هنوز خود را کمونیست می‌خوانند، حال آن که همه می‌دانند کمونیسم مرده است. در تحلیل نهایی آنچه این آراء و چشم‌اندازها را در کنار یکدیگر نگه می‌داشت، اتحاد شوروی بود. و به محض فروپاشی‌اش چیزی نبود که بتواند یا بخواهد به جای آن به قطب جدید انقلاب جهانی بدل گردد.

در سی سال نخست بعد از ۱۹۱۷، هنوز یک نظام متشکل از دولت‌های کمونیستی وجود نداشت. مسکو به تنهایی بر یک نهضت بین‌المللی حکم می‌راند که هر یک به دلیل ضعفشان، در مقابل کعبه انقلاب سر تعظیم فرود آورده بودند (البته از سال ۱۹۲۴ به بعد یک جمهوری خلق مغولستان بود که تنها تعداد کمی از وجودش اطلاع داشتند و تعداد به مراتب کمتری نیز آن را به حساب می‌آورده‌اند). در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در میان جشن‌هایی خیره‌کننده و جنایاتی هولناک، جهانی

جدید در حال احداث بود. ولی در دیگر نقاط جهان، کمونیست‌ها جز حرمان و ناکامی چیزی در پیش روی نیافتند: انقلاب مجارستان در ۱۹۲۰ شکست خورد، حزب کمونیست آلمان که در نوع خود بزرگ‌ترین حزب اروپایی بود نتوانست راه نازیسم را سد کند، چپ اسپانیا به دست فرانکو منهدم شد، حزب کمونیست چین در خلال لشکرکشی ژاپن رو به عقب‌نشینی نهاد، در امریکا حزب کمونیست لطیفه‌ای بیش نبود مگر برای آن‌هایی که برای جذاب‌تر ساختن سیاست‌هایشان به یک «توطئه کمونیستی» نیاز داشتند (براون داستان آن کمونیست امریکایی را نقل می‌کند که در سال‌های دهه ۱۹۲۰ در دل نیویورک و به شوق تقلید از لینین، «کارگران و دهقانان بروکلین» را به حرکت فراخواند).

جنگ دوم جهانی همه چیز را تغییر داد. این ارتش سرخ بود و نه فعالین کمونیست که بر بخش‌هایی وسیع از اروپای شرقی – و همراه با گونه‌هایی متفاوت از حمایت محلی – کمونیسم را تحمیل کرد. فروپاشی ژاپن پیروزی کمونیست‌ها را بر چین و کره تسریع کرد و سقوط فرانسه نیز راه را در ویتنام باز کرد. یکی از عجیب‌ترین افزوده‌های این طیف متنوع از دولت‌های کمونیستی کوبا بود؛ انقلاب را غیرکمونیست‌هایی برپا کردند که تنها پس از پیروزی انقلاب کمونیست شدند و از آن پس نیز تنها به یمن حمایت‌های شوروی و از آن مهم‌تر به برکت رویارویی ابلهانه ایالات متحد، قدرت را حفظ

نامه فرهنگستان

فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی

(علمی - پژوهشی)

شماره ۳۹ مجله نامه فرهنگستان (پاییز ۱۳۸۸) منتشر شد.

ضرورت برنامه‌ریزی در حوزه تحقیقات زبانی و ادبی (سردبیر)؛ ویژگی‌های نگرش خیامی (با رویکردی به شعر خیام و ابوالعلا) (سیدمهدی زرقانی)؛ سرچشمه نظریه‌های ترجمه (بررسی موردی نظریه‌های گوته و شلاپر ماخر) (علی خزاعی فر، مازیار فریدی)؛ عناصر هنری در دو نمونه از غزل‌های سعدی (کاووس حسن‌لی)؛ گناه بخت من است این گناه دریا نیست (بررسی قطعه‌ای منسوب به فردوسی) (جواد بشری)؛ خروج یا بروج؟ (فرزاد ضیائی حبیب‌آبادی)؛ هزار و یک شب در اروپا (بررسی و تحقیق درباره مترجمان، مفاهیم اجتماعی و تأثیرات آن) (طهمورت ساجدی)؛ تحلیل روش شناختی دیدگاه‌ها و آراء ویلیام چیتیک درباره تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی (مهدی محبتی)؛ موی بر میان بستن (ایین ویژه سوکواری در شاهنامه و متون ایرانی) (سجاد آیدنلو)؛ رودیگر اشمیت، کتیبه‌های فارسی باستان هخامنشی، ۲۰۰۹ (بدرالزمان قریب)؛ تأملی در نگاهی به شعر نیما یوشیج (سعید رضوانی)؛ یادداشت‌هایی بر تاریخ هرات (اکبر نحوی)؛ بررسی فهرست پایان‌نامه‌ها (زهرا استادزاده)؛ مرگ و آیین‌های مربوط به آن در ایران باستان (نادیا معقولی و محمود طاووسی)؛ خط لاتین برای فارسی (خطابه آقا سید محمدعلی پروفیسور نظام کالج)؛ داعی‌الاسلام (ثریا پناهی)؛ گرده برداری در واژه‌سازی (علاءالدین طباطبائی).

تازه‌های نشر:

کتاب: نارسیده ترجیح: بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران؛ به یاد محمد قزوینی؛ دستنامه سغدی؛ نظریه تاریخ ادبیات (با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران)؛ ده گفتار درباره زبان خوارزمی؛ خوراکی‌های ایرانی.

نشریات ادواری: سعدی‌شناسی؛ *Journal of Persianate Studies*؛ *Revue de Téhéran*.

مقاله: بررسی تحول واژه خفتن در متون فارسی دری؛ شعری که آینه است (نگاهی به زندگی و شعر عالمتاج قائم‌مقامی «ژاله».)
(با همکاری سایه اقتصادی‌نیا، زهرا سادات حاجی سیدآقایی، ابوالفضل خطیبی، آرزو رسولی (طالقانی)، احمد سمیعی (گیلانی)، مهبانو علیزاده، میترا فریدی، مرتضی قاسمی، حسن میرعابدینی، زهره هدایتی)

اخبار:

خاموشی اسماعیل فصیح، وداع با جلال آریان
نشان امپراتوری ژاپن برای هاشم رجب‌زاده
عمر خیام، ادوارد فیتزجرالد و رباعیات
جهان شاه عباس
انتشار یادنامه ام‌ریک

مستدرک مقالات:

انتقاد خواجه نصیر از فخر رازی

نشانی: تهران، بزرگراه مقانی، بعد از ایستگاه مترو.
مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
کدپستی: ۱۱۱۳۳۳۳۳، صندوق پستی: ۱۵۳۸۶۳۳۳۳۳۳.
دورنگار: ۰۸۸۶۴۲۵۰۰، تلفن: ۰۸۸۶۴۲۴۴۸-۸۸۶۴۲۴۳۹-۸۸۶۴۲۴۳۹
پناه‌نگار: farnamh@persianacademy.ir
وب‌گاه: www.persianacademy.ir

بهای این شماره: ۱۵۰۰۰ ریال

بهای اشتراک هر دوره (۴ شماره): ۵۰۰۰۰ ریال
شماره حساب مجله: ۹۰۰۸۱ بانک ملی ایران،
شعبه عباس‌آباد غربی، کد ۸۰۳

کردند. و جالب آن که کمونیسم کوبایی اضمحلال شوروی را نیز پشت سر گذاشته است. دوام و استمرار حکمروایی بی‌معنی کیم ایل سونگ و پسرش کیم جونگ ایل نیز از دیگر شگفتی‌های این مقوله است. کمونیسم جنایتکار پُل پوت به دست کمونیست‌های ویتنام خاتمه یافت، آن هم در روزگاری که جهان غرب با همدستی چین، با این مداخله که به تعبیر براون، جان‌های بی‌شماری را نجات داد مخالف بود. اگر هانوی با زبان رسانه‌های روز آشنایی بیشتری می‌داشت، می‌توانست این کار را نوعی «مداخله بشردوستانه» بنامد.

در بخش قابل توجهی از این کتاب تأکید اصلی نویسنده بیشتر بر ارائه داده‌ها قرار دارد تا توضیح و تفسیر آن‌ها. ولی این داده‌ها نیز جذاب و درخور توجه‌اند، به ویژه هنگامی که بحران‌های بزرگ موضوع بررسی قرار دارند. در همین فرایند است که در می‌یابیم سال‌های حکمروایی برژنف از دیدگاه رهبری، موفق‌ترین سال‌های کمونیسم بوده است: رخدادهای چندانی روی نداد، دیوانسالاری فربه‌تر از پیش شد، بازدارندگی رونق گرفت، اقتدار نظامی شوروی رو به افزایش نهاد و «بهار پراگ» با حداقل دردسر جمع شد. گاهی اوقات فقدان رنگ و لعاب هم کار می‌کند.

مهارت نویسنده بیش از همه در بخش مربوط به انحلال کمونیسم است که خود را نشان می‌دهد. ستایش آشکار براون نسبت به گورباچف مانع از آن نیست که اشتباهاتش را خاطر نشان نسازد. و در همین چارچوب است که از پاره‌ای از عوامل موثر در فروپاشی کمونیسم و به همراه آن اتحاد شوروی، تحلیلی روشن و شفاف ارائه می‌شود. و شگفت آن که این معادله چندان هم سراسرت نیست. فروپاشی نظام حاصل اصلاحاتی بود - پرسترویکا و گلاسنوست - که بدون یک برداشت درست از تبعات محتمل آن‌ها، اعمال شدند، هر چند که اصولاً یک چنان پیش‌بینی‌ای هم میسر نبود. اما براون تأکید دارد که این اصلاحات آن چنان هم واجب و ضروری نبود. کمونیسم گرچه نه تا ابدالدهر، بلکه تا مدت زمانی بیشتر می‌توانست به حیات خود ادامه دهد.

با این نکته نیز می‌توان موافق بود. به نظر می‌آید که روزگار دولت‌های به اصطلاح ناکارآمد - Failed States - مانند زیمبابوه و کره شمالی کماکان برقرار است، چه رسد به اتحاد شوروی که اصولاً در یک چنین رده نازلی هم قرار نداشت. از این رو دلیل اصلی فروپاشی آن را باید در خوش‌بینی مفرط و آمال بی‌حد اصلاح‌طلبانی جست و جو کرد که تصور کردند از پس این روند بر می‌آیند ولی به گونه‌ای که معمولاً پیش می‌آید، انقلاب‌ها همیشه از حد و مرزی که پایه‌گذارانش در نظر داشته‌اند، پیشتر می‌رود. در آخر نظام کمونیستی را نه پاپ به زانو در آورد و نه ریگان یا بازدارندگی، و نه جنگ ستارگان یا ناراضی‌های داخلی، خود کمونیست‌ها کارش را تمام کردند.

The Guardian Weekly, (17.07.2009).

به نقل از: